



# امتحانات متمرکز تکمیلی (سطح ۳)

ضربی:

خرداد سال تحصیلی ۹۶-۹۵

رشته های تفسیر، تاریخ، فلسفه، کلام، امامت، مهدویت، اخلاق، ادبیات عرب ورودی ۹۵

ساعت برگزاری: ۹ صبح	نمره: ۱۳	ممت پاسخگویی: ۷۰ دقیقه
ساعت برگزاری: ۹ صبح	نمره: ۲۰	ممت پاسخگویی: ۹۰ دقیقه

شماره پانام مصحح اول	نمره به عدد	نمره به حروف
شماره پانام مصحح دوم	نمره به عدد	نمره به حروف

مهر مدرسه

ردیف	نام خانوادگی	نام پدر	کد پستی	مدرس علمه	شهرستان
۱	۳۹۵۲/۰۳				
۲	۹۶/۳/۱۱				
۳	فقه ۲				
۴	دروس تمهیدیه فی الفقه الاستدلالی				
۵	قضا، شهادت، اقرار				

نام و نام خانوادگی: ..... نام پدر: ..... کد پستی: ..... مدرس علمه: ..... شهرستان: .....

۰/۱۵

۱. برای اثبات طلوع هلال ماه چه بینه ای لازم است؟

الف) دو مرد عادل

ب) دو مرد عادل یا یک مرد عادل با قسم

ج) دو مرد عادل یا یک مرد و دو زن عادل

د) دو مرد عادل یا یک مرد و دو زن یا چهار زن عادل

۲. اقرار در چه زمانی حجت است؟

الف) اگر به دلالت لفظی مطابقی بر مطلبی دلالت کند

ب) اگر به دلالت لفظی بر مطلبی دلالت کند

ج) اگر به اشاره یا به دلالت مطابقی نه التزامی بر مطلبی دلالت کند

د) اگر بر مطلبی دلالت کند به هر دلالتی که باشد

۳. کدام گزینه صحیح است؟

الف) أخذ اجرت بر قضا جایز نیست، چون در حکم رشوه است.

ب) أخذ اجرت بر قضا و ارتزاق قاضی از بیت المال هر دو جایز است.

ج) أخذ اجرت بر قضا و ارتزاق قاضی از بیت المال هیچ کدام جایز نیست.

د) أخذ اجرت بر قضا و ارتزاق قاضی از بیت المال در صورت فقر قاضی جایز است.

۴. طبق نظر مصنف، مدعی کیست؟

الف) کسی که عرف او را مدعی بدانند.

ب) کسی که قولش مخالف ظاهر باشد.

ج) کسی که قولش مخالف اصل باشد.

د) کسی که قولش مخالف حجت شرعی باشد.

۵. در کدام مورد شهادت کافر علیه مسلم پذیرفته می شود؟

الف) در هر وصیتی

ب) در وصایای غیر مالی

ج) در وصیت مالی

د) در وصایای غیر تملیکی

۶. در ادعای عین علیه حی کدام مورد نمی تواند شاهد باشد؟

الف) دو مرد عادل

ب) دو مرد عادل یا یک مرد عادل با قسم مدعی یا یک مرد و دو زن

ج) دو مرد عادل یا یک مرد عادل با قسم مدعی

د) دو مرد عادل یا یک مرد عادل و قسم مدعی یا دو زن و قسم مدعی

۷. «و اما اعتبار آن یکون المخالفه مخالفه لما ثبت اعتباره بنحوالقطع فالأنه بدون ذلك يعود الحكم مشمولاً لقوله (ع):

فإذا حکم بحکمنا فلم یقبل منه فإنما استخف بحکم الله. إذا المراد فإذا حکم علی طبق الموازين الشرعیة التي یؤیدی الیهما نظر».

۲

با توجه به عبارت فوق، در چه صورت می توان حکم قاضی را نقض کرد؟ دلیل مذکور در عبارت را کاملاً توضیح دهید. (ترجمه پذیرفته نیست)

اگر قطع به اعتبار چیزی در شریعت داشته باشیم و حکم قاضی مخالف آن باشد، می توان با آن مخالفت کرد. اما اگر قطع به اعتبار آن نداریم و تنها اجتهاد ما با اجتهاد قاضی مخالف است نمی توان حکم را نقض کرد؛ زیرا در روایت امام فرموده است: «اگر قاضی بر طبق حکم ما حکم کند و از او پذیرفته نشود به حکم خدا

استخفاف شده است و این جایز نیست. روشن است که مراد از حکم قاضی بر طبق حکم شرع در روایت، حکم قاضی بر اساس استنباط خودش است و لذا استنباط او مجاز و معتبر شمرده شده و نقضش جایز نیست. (کتاب القضاء، ص ۱۵ و ۱۶)

۸. با توجه به صحیح ابی خدیجه: «انظروا إلى رجل منكم يعلم شيئاً من قضايانا فاجعلوه بينكم فإني قد جعلته قاضياً» ممکن است توهّم شود که رجولیت شرط قاضی نیست.

۳

الف) منشأ این شبهه و پاسخ آن را بیان کنید.

ب) با قطع نظر از صحیح فوق، اصل اولی اعتبار رجولیت است یا عدم آن؟ توضیح دهید.

الف) منشأ شبهه این است که لفظ «رجل» از نظر اصولی از قبیل لقب است و لقب مفهوم ندارد تا دلالت کند بر اینکه غیر رجل که احکام را می‌داند، حکمش نافذ نیست. پاسخ: امام(ع) در مقام تحدید و تعیین خصوصیات هستند و ذکر لقب در مقام تحدید مفید مفهوم می‌باشد.

ب) اصل اولی عدم نفوذ قضاء و حکم یک شخص در مورد شخص دیگر است و اگر حاکم مذکر نباشد، شک در نفوذ حکم او داریم و به اصل فوق تمسک کرده، عدم نفوذ حکم او صادر می‌شود و از اینجا اعتبار رجولیت اثبات می‌گردد. (کتاب القضاء، ص ۱۹)

۹. برای جواز شهادت صبی ممیز ممکن است به آیه شریفه: «و الآلاتی یأتین الفاحشه من نساءکم فاستشهدوا علیهنّ أربعه منکم» استناد شود.

۲

الف) کیفیت استدلال را توضیح دهید.

ب) اشکال مصنف به استدلال را (با قطع نظر از روایات و ادله خاص) بیان نمایید.

الف) استدلال به اطلاق آیه است، زیرا خداوند فرموده است هر گاه زنان مرتکب عمل زشت شدند، ۴ نفر از میان خودتان بر عمل شهادت دهند و لفظی که دال بر اعتبار بلوغ باشد ذکر نشده است، پس هر کسی که بتواند شاهد باشد کافی است، از جمله صبی ممیز.

ب) پاسخ آن است که آیه شریفه در مقام بیان خصوصیات شاهد نیست تا از عدم ذکر بلوغ، جواز شهادت صبی ممیز فهمیده شود، بلکه در مقام بیان حث و تشویق به اصل شهادت است نه بیش از آن. (شهادت، ص ۵۴)

۱۰. قاعده «من ملک شيئاً ملک الاقرار به» را توضیح دهید و برای آن مثالی بزنید و تفاوت آن را با قاعده اقرار بیان نمایید.

۳

مفاد قاعده آن است که هر کس حق تصرف در چیزی را داشته باشد، اخبار او از تصرف، نافذ است. (نمره) مثلاً زوج حق طلاق دارد، حال اگر خبر دهد که زوجه‌اش را طلاق داده است، اخبار او نافذ است و حکم به طلاق می‌کنیم. (نمره).

تفاوت این قاعده با قاعده اقرار: این قاعده، اخبار از تصرفی خاص است که برای او جایز است، اما قاعده اقرار، اخبار از حقی است که علیه او ثابت است یا اخبار از نفی حق او علیه غیر است و این اخبار نافذ می‌باشد (مثل اینکه می‌گوید من بدهکارم یا طلبکار نیستم) نمره

\*سؤالات زیر مختص طلاب غیر حضوری مکاتبه‌ای می‌باشد:

۱۱. فرق قاضی منصوب و قاضی تحکیم را بیان نمایید. و استدلال بر نفوذ حکم قاضی تحکیم را با توجه به آیه شریفه: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُوَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ» توضیح دهید.

۲

الف) قاضی منصوب کسی است که امام او را به قضاوت نصب کرده است قبل از آنکه متخصصان به مراجعه نرد او راضی شوند. اما قاضی تحکیم کسی است که پس از تراضی طرفین دعوا بر رجوعه او، شارع او را به قضاوت منصوب کرده است.

ب) در آیه مذکور امر شده به اینکه اگر کسی می‌خواهد بین مردم حکم کند، باید بر اساس عدل حکم کند و حاکم باید عادلانه حکم کند و این اطلاق دارد و شامل حاکمی که طرفین راضی به مراجعه به او شده‌اند و قبل از تراضی، منصوب نشده است نیز می‌شود. (قضاء، ص ۱۶ و ۱۷)

۱۲. مدرک قاعده اقرار مطابق نظر مصنف چیست؟ توضیح دهید.

۱

مدرک منحصر در سیره عقلاست و اینکه عقلا اقرار شخص علیه خودش را نافذ می‌دانند و این سیره مورد نهی امام واقع نشده و این حاکی از تأیید و امضای امام است و لذا حجت می‌باشد.

۱۳. با توجه به روایت: «إنما ائضى بينكم بالبينات و الايمان...» این شبهه ایجاد می‌شود که اقرار از وسایل اثبات دعوی نیست. منشأ شبهه و پاسخ آن را بیان کنید.

۲

شبهه این است که پیامبر (ص) وسیله اثبات را منحصر در بینه و یمین دانسته است و اقرار را ذکر ننموده است، پس اقرار حجت نیست. (نمره)

پاسخ: روایت فوق ناظر به جایی است که بین متخاصمین نزاع رخ دهد و هر کدام دیگری را نفی نماید و با فرض اقرار نزاعی نیست. (نمره) (قضاء، ص ۳۲)

۱۴. در باب شهادت بر شهادت چگونه می‌توان بین دو روایت زیر جمع کرد؟

۲

الف) «کان علی (ع) لایجیر شهادة رجل علی رجل إلا شهادة رجلین علی رجل». ب) «ان علیاً علیه السلام قال: لا اقبل شهادة رجل حی و ان کان بالیمین». مقتضای هر روایت را ذکر کرده، جمع آنها و حکم نهایی را بیان کنید.

مدلول روایت الف آن است که تنها شهادت دو مرد در مورد یک مرد ثابت است و شهادت یک مرد ثابت نیست.

مدلول روایت ب آن است که شهادت هیچ مردی علیه مرد زنده پذیرفته نیست، اما اگر دو نفر بخواهند شهادت دهند پذیرفته است، زیرا روایت اول مقید روایت مطلق دوم محسوب می‌شود. نتیجه آنکه شهادت بر شهادت نافذ است اگر برای شهادت هر مردی دو شاهد شهادت دهند. شهادتات ص ۸۲ و ۸۳